

حقوق بین الملل؛ رویه‌های قضایی

● بیژن حاجی عزیزی
عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا

کتاب «حقوق بین الملل؛ رویه‌های قضایی» اثر استاد نام‌آشنا و قدیمی حقوق ایران جناب آقای دکتر عبدالمجید قائم مقام فراهانی در پائیز سال ۱۳۷۷ به‌زیرور طبع آراسته و به بازار کتاب عرضه شده است.

نویسنده محترم با این باور که رویه‌های قضایی بین‌المللی از جمله منابع حقوق بین‌الملل و فراتر از این از جمله منابع علم حقوق است و دانستن آنها برای طالبان رشته حقوق و وکلا و دانشجویان و سایر کسانی که قصد ادامه تحصیل دارند ضروری به نظر می‌رسد، اقدام به تهیه و تنظیم این کتاب نموده است. به نظر می‌رسد که اساس این فکر، معقول و مستحسن است و باید مورد تأیید قرار گیرد، و همین رویکرد از نقاط قوت و مثبت این اثر محسوب می‌گردد. خصوصاً اینکه در کشور ما آموزش بعد علمی حقوق، از دیرباز، ضعیف و بی‌مقدار بوده است. با وجود این در کتاب مزبور پاره‌ای کاستیها و نقاط ضعف نیز وجود دارد که از ارزش علمی آن می‌کاهد و شایسته است که در چاپهای بعدی کتاب مرتفع گردد. در زیر بعضی موارد بیان می‌گردد:

۱- اولین نکته‌ای که در خصوص مفاد این اثرشایان ذکر است عدم نظم منطقی در ارائه مطالب است. این نکته با اندک تاملی در عنوان و فهرست مطالب کتاب هویدا می‌گردد. عنوان کتاب رویه‌های قضایی بین‌المللی را تداعی می‌کند، در حالی که مفاد کتاب به پنج قسمت کلی تقسیم شده و قسمت اول مربوط به حقوق داخلی است. آرائی که در این قسمت ذکر گردیده تنها کاملاً اتفاقی برگزیده شده‌اند بلکه واجد بیدین‌المللی نیز نیستند.

دیگر اینکه عنوان قسمت اول «منافع و اقسام رویه‌ها» است. این قسمت به دو بخش کلی تقسیم شده است. «منافع رویه‌ها» به‌عنوان بخش اول و تفسیر رویه‌قضایی دیوان عدالت اداری به‌عنوان بخش دوم. برحسب یک اسلوب منطقی در نگارش کتاب یا مقاله یا هر نوشته دیگری بخصوص حقوقی، عنوان یک قسمت یا یک فصل یا بخش یا مبحث باید منطقی و تمامی زیرمجموعه را دربر بگیرد. در حالی که ملاحظه می‌شود عنوان بخش دوم هیچ ارتباطی با عنوان عام قسمت اول ندارد. بر عکس این، «اقسام رویه‌ها» به عنوان فصل اول بخش اول آورده شده؛ در صورتی که منطقی‌نابینا اقسام رویه‌ها به عنوان زیرمجموعه بخش اول با عنوان «منافع رویه‌ها» آورده شود زیرا نه تنها از حیث محتوی ارتباطی با هم ندارند، از حیث عمومیت و گستره نیز بحث اقسام رویه‌ها از بحث منافع رویه‌ها عامتر است و نباید زیر مجموعه آن قرار گیرد، و هکذا در سایر مباحث هم‌گونه‌ای که کمال احترام باید اذعان نمود که این کتاب از حیث طرح و فصل‌بندی بسیار آشفتگی است.

۲- مطلب دیگری که در خورتوجه است وجود اغلاط فراوان در این کتاب است، بگونه‌ای که بدون اغراق باید گفت سراسر این اثر مشحون از اغلاط و اضافات تاییبی است تا حدی که کمتر صفحاتی را می‌توان یافت که دارای این نقص نباشد. این وضعیت از یک سو مبین یک بی‌دقتی دیرپا و مزمنی است که در امر چاپ و نشر کتاب در ایران وجود دارد نقصی که در کشورهای دیگر چندان مشاهده نمی‌شود، و از سوی دیگر مبین نوعی شتابزدگی در چاپ و عرضه این کتاب است. به هر تقدیر زینته نیست، از باب نمونه به صفحات ۱۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۰ و ۳۱ و... توجه شود.

۳- در صفحه ۳۰ کتاب در سطر ۷ بند ب «اسباب تملک چیست...» بند الف ندارد. در وسط صفحه عنوان «فصل دوم: سلب مالکیت» با مطالب قبل و بعدش ارتباط منطقی ندارد و نابجا بکار رفته است.

رویه‌های قضایی بین‌المللی، از جمله منابع حقوق بین‌الملل و فراتر از آن، از جمله منابع علم حقوق است و دانستن آنها، برای همه علاقمندان به رشته حقوق، ضروری است



عدم نظم منطقی در فصل‌بندی و ارائه مطالب، وجود موضوعات ناقص بعضاً نامرتبط، وجود اغلاط فراوان و پاره‌ای از نقایص دیگر، موجب شده که این اثر در ارائه رویه قضایی، وافی به مقصود نباشد

۴- در صفحه ۳۹ فصل چهارم با عنوان «در آراء اصراری» شروع شده است منتهی هیچ تعریفی از رای اصراری بعمل نیامده اما چند صفحه بعد یعنی در صفحه ۴۳ و ۴۴ اقدام به تعریف رای اصراری و ذکر بعضی مثالها در خصوص مورد شده است به نظر می‌رسد که شایسته است این تعریف و تمثیلهای در ابتدای فصل آورده شود تا خواننده با سهولت مطالب را ادراک نماید.

۵- در بعضی صفحات نظیر ۵۷، ۵۸ و ۷۸، بعد از شروع فصل یا قسمت، فهرست مطالبی ذکر گردیده‌اند لکن بدینال آن مطالب دیگری غیر از عنوانهای مذکور در فهرست، مورد بحث قرار گرفته است. علت این وضعیت روشن نیست. از یک سو اگر مطالب مذکور را فهرست تلقی نکنیم به کیفیت مطروح، مفید معنایی نیستند و از سوی دیگر چنانچه آنها را فهرست تلقی کنیم با مطالبی که در پی آنها آورده شده انطباق ندارد. شاید هم اضافات تاییبی باشد. به هر تقدیر از جمله نقایص کتاب است.

۶- در صفحات ۳۹ و ۴۰ در بحث آراء اصراری پرونده‌ای از دادگستری استان خراسان شهرستان تایباد با موضوع دعوی مالکیت بر اساس مقررات اصلاحات ارضی به عنوان مصداق ذکر گردیده است. خلاصه پرونده از ابتدا تا زمانی که رای اصراری تشخیص داده می‌شود و برای هیات عمومی دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد ذکر شده اما در انتها رای هیات عمومی آورده نشده و در نتیجه موضوع، ابتر مانده و مثال ذکر شده وافی به مقصود نخواهد بود. شایسته بود که نظر هیات عمومی ذکر می‌گردید. دقیقاً بر عکس این مطلب در صفحه ۴۱ اتفاق افتاده است یعنی ابتدا رای هیات عمومی ذکر شده اما از خلاصه پرونده نشانی نیست!

۷- در مجموع می‌توان گفت که این کتاب نه یک اثر علمی و تحلیلی در رشته حقوق است و نه به لحاظ ایرادات اساسی که دارد در نقل رویه قضایی وافی به مقصود است. شایسته است که نویسنده محترم در صورت مورد اقبال واقع شدن این اثر در چاپهای بعدی حداقل از حیث شکلی، اثر خویش را پیراسته و منقح‌سازد و حداقل شرح و تحلیل مختصری را در ابتدا و انتهای بخشها و قسمتهای مختلف کتاب ارائه نماید. وگرنه در وضعیت موجود اثری مفید، ارزیابی نمی‌شود.

● عبدالمجید قائم مقام فراهانی
● بازننگ
● ۲۱۶ صفحه